

Analyzing the arguments of those who believe in the sanctity of surrogacy (undifferentiated fertilization) (according to the verses and hadiths)

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors

Mohammad Mahdi Askari Elahi
Ahmad Moradkhani *
Seyyed Hasan Abedian Kalkhoran

How to cite this article

Mohammad Mahdi Askari Elahi, Ahmad Moradkhani, Seyyed Hasan Abedian Kalkhoran, Analyzing the arguments of those who believe in the sanctity of surrogacy (undifferentiated fertilization) (according to the verses and hadiths), *Journal of Quran and Medicine*. 2023; 8(2): 208-218.

ABSTRACT

Advances in medical knowledge in modern reproductive methods have caused different transformations to appear in the process of human reproduction. In parallel with the ability to use these methods in experimental sciences, other new complex problems have also been created in the fields of humanities, including jurisprudence and law, which require experts to address them and provide appropriate solutions. One of these cases is artificial insemination for fertility and generation; that there is a difference of opinion among jurists regarding its sanctity or permissibility; Because each of them has its own proofs, so it is necessary to examine these proofs. Due to the fact that the examination of both views (for and against) does not fit in one article; Therefore, the researcher only examines the arguments of those who believe in sanctity according to the verses and traditions and with descriptive-analytical method. Those who believe in sanctity refer to verses such as (Momonun/5-7) and (Noor/30-31) as well as hadiths that the opponents of this group also counter with proofs and proofs to prove their claim.

1. PhD student, Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

2. Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran (corresponding author).

3. Assistant Professor, Fiqh and Fundamentals of Islamic Law Department, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

* Correspondence:

Email: Ah_moradkhani@qom-iau.ac.ir

Keywords: womb rental, artificial insemination, sanctity, permission, heterozygous insemination.

مقدمه

باید دانست که تلقیح مصنوعی به دو صورت داخل رحمی و خارج رحمی تقسیم می‌شود که هر کدام از این دو صورت از جهت دارندگان اسپرم و تخمک باز به دو دسته دیگر قابل تقسیم است: تلقیح میان اسپرم شوهر و تخمک همسرش (هوموگ)؛ تلقیح میان اسپرم و تخمک بیگانه (هترولوگ).

که البته روش‌ها و تکنیک‌های متفاوتی وجود دارد که هر کدام نیز ممکن است در دسته اول یا دوم قرار گیرند از جمله: اهدای جنین، رحم جانشین، اهدای گامت و... از این رو دستیابی به حکم فقهی واحدی که همه آن‌ها را به طور یکسان در برگیرد دشوار یا غیر ممکن است. بنابراین در این فصل به بیان احکام فقهی رحم اجاره‌ای یا مادر جانشین می‌پردازیم.

بررسی فقهی هر موضوعی مستلزم شناخت تمامی جوانب و حالات آن موضوع است. رحم جایگزین یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین روش‌های باروری مصنوعی است که صورت‌های مختلفی را شامل می‌شود و تبیین حکم فقهی آن نیازمند شناخت این حالات و استخراج فقهی نهفته در آن است. رحم جایگزین یا جانشین در بارداری یعنی توافق با بانوی صاحب رحمی که آمادگی خود را برای حاملگی برای زوج نابارور اعلام می‌کند به گونه‌ای که پس از زایمان نوزاد حاصل را به زوج نابارور تحویل دهد و بانوی صاحب رحم که حامل بارداری است مادر جانشین و زوج نابارور والدین حکمی تلقی می‌شوند.

رحم جایگزین یکی از روش‌های لقاح خارج رحمی است؛ همانطور که گفته شد روش‌های لقاح خارج رحمی بسته به نوع مشکل زوجین به روش اهداء تخمک، اهدای اسپرم، اهدای جنین و استفاده از رحم جایگزین تقسیم می‌شود نکته قابل توجه این است که روش رحم جایگزین با هر یک از روش‌های دیگر ممکن است همراه باشد به این صورت که اگر زوج فاقد اسپرم سالم باشد یا زوجه توانایی تولید تخمک نداشته باشد یا هر دو زوجین دارای این مشکل باشند ممکن است از تخمک یا اسپرم یا جنین اهدایی دیگری و قرار دادن آن در رحم جایگزین استفاده شود. از دیدگاه پزشکی روش رحم جایگزین به دو دسته عمده تقسیم می‌شود.

جایگزین نسبی یا جانشینی با باروری مصنوعی: در این حالت بارداری بانوی صاحب رحم در نتیجه لقاح تخمک وی با اسپرم همسر زن نابارور حاصل می‌شود؛ در این روش بانوی صاحب رحم از نظر ژنتیکی به کودک وابسته بوده و مادر ژنتیکی نیز محسوب می‌شود. جایگزینی کامل یا جانشینی در بارداری: در این حالت تخمک و اسپرم زوجین نابارور به روش‌های لقاح خارج رحمی به جنین تبدیل شده و به رحم جایگزین منتقل می‌گردد.

در این روش از نظر ژنتیکی فرزند حاصل هیچ ارتباطی با بانوی صاحب رحم نداشته و زوجین نابارور والدین ژنتیکی کودک محسوب می‌شوند. (۱)

محمد مهدی عسکری الهی

دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

احمد مرادخانی*

دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول).

سید حسن عابدیان کلخوران

استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

چکیده

پیشرفت‌های دانش پزشکی در روش‌های نوین باروری باعث شده تا دگرگونی‌های متفاوتی در فرآیند تولید مثل انسان پدیدار شود. به موازات توانایی بهره‌گیری از این روش‌ها در علوم تجربی مسائل پیچیده جدید دیگری نیز در رشته‌های علوم انسانی از جمله فقه و حقوق ایجاد شده است که ضرورت دارد تا متخصصان به آن‌ها بپردازند و راهکارهای متناسب با آن را ارائه دهند. یکی از این موارد لقاح مصنوعی جهت باروری و تولید نسل می‌باشد؛ که در میان فقها در رابطه با حرمت یا جواز آن اختلاف نظر وجود دارد؛ چرا که هر کدام ادله مخصوص به خود را دارند، لذا این ضرورت پیش می‌آید که به بررسی این ادله بپردازیم. از این جهت که بررسی هر دو دیدگاه (موافقان و مخالفان) در یک مقاله نمی‌گنجد؛ بنابراین پژوهشگر تنها به بررسی ادله قائلین به حرمت با توجه به آیات و روایات و با روش توصیفی-تحلیلی می‌پردازد. قائلین به حرمت برای اثبات ادعای خود به آیاتی همچون (مومنون/۵الی۷) و (نور/۳۰ و ۳۱) و نیز روایاتی استناد می‌نمایند که مخالفین این گروه نیز با طرح ادله و مویداتی به مقابله می‌پردازند.

کلیدواژه: اجاره رحم، لقاح مصنوعی، حرمت، جواز، لقاح ناهمگون.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۰

*نویسنده مسئول: Ah_moradkhani@qom-iau.ac.ir

ادله حکم فقهی حالات مختلف رحم جایگزین و مسائل فقهی مرتبط با آن را بیان کنیم.

۱- ادله قائلین به حرمت اجاره رحم (لقاح ناهمگون)

در انعقاد نطفه به واسطه‌ی عامل بیگانه بحث و اختلاف جدی وجود دارد ولی در حقوق ایران که برگرفته از فقه امامیه است و در قانون مدنی حکمی در این زمینه وجود ندارد. علاوه بر فقه اسلامی، در تمام ادیان و نظام‌های حقوقی نیز درباره‌ی جواز آن اختلاف نظر اساسی وجود دارد. استفاده و کاربرد اسپرم مردی غیر از شوهر از نظر یهود به دلیل احتمال زنا با محارم در آینده، تباهی نسب‌ها و مسائل مربوط به ارث مورد قبول نیست. (۲)

در فقه اسلامی نیز با این که این موضوع از مسائل مستحدثه است ولی فقها هر یک بنا به دلایل مستنبط خود از ادله دینی حکم به جواز یا عدم جواز رحم اجاره‌ای با اسپرم بیگانه نموده‌اند؛ زیرا تلقیح نطفه زوج و زوجه که بین هر دو زوجیت شرعی برقرار است ظاهراً دلیلی بر حرمت این کار وجود ندارد، چرا که خواسته انسان‌ها برای فرزنددار شدن یک خواسته نامشروع نیست بلکه یک خواسته معقول و شرعی است که هم از نظر عقل و هم از نظر شرع مشکلی ندارد. حال با توجه به این مقدمات، در این جا نظرات مخالفین رحم اجاره‌ای بیان می‌گردد.

۲-۱-۱- آیات قرآن

در قرآن کریم به چند آیه بر می‌خوریم که محور تمامی آنها حفظ آلت و اندام‌های جنسی خود از دیگران است. این آیات بر این نکته تأکید می‌کنند که مسلمانان مؤمن، موظف هستند جز در نکاح اعم از دائم یا منقطع، اندام‌های جنسی خود را که محول تکون فرزند است را از دیگران حفظ کنند. این آیات عبارتند از:

۱-۲-۱- آیه اول

«وَالَّذِينَ هُمْ يُفْرُوهُمْ حَافِظُونَ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ؛ وَأَنَّا كَرِهَ الْفُرُوجَ وَأَندَامَشَانَ رَا از عمل حرام نگاه می‌دارند، مگر بر جفت‌هاشان (که زنان عقدی آنها باشند) یا کنیزان ملکی متصرفی آنها که هیچ‌گونه ملامتی (در مباشرت این زنان) بر آنها نیست، و کسانی که غیر از این طریق را طلب کنند، تجاوزگرند». (مؤمنون، آیات ۵-۷)

مخالفین روش رحم اجاره‌ای با اسپرم مرد بیگانه عقیده دارند که این آیات متضمن فرمان به حفظ اندام‌های جنسی هستند، در حالی که مشخص نشده که از چه چیز باید این حفظ و اجتناب صورت بگیرد.

از نظر مخالفان، عدم بیان متعلق حفظ، سبب گردیده که برخی از مفسران قرآن، (۳، ۴، ۵، ۶، ۷) این نکته را دال بر عمومیت آیه نموده و این حکم را استنباط می‌نمایند که مقتضی آیه‌ی کریمه این است که به طور مطلق باید اندام‌های جنسی را از هر کس یا از هر عملی حفظ کرد مگر از همسر و کنیز که در سوره مؤمنون و معارج ذکر شده یا با دلیل معتبر دیگری بعضی از مصداق‌ها استثناء شوند و تا

اما از دیدگاه فقهی روش رحم جایگزین را می‌توان بر اساس جایگزینی اسپرم تخمک و جنین در رحم شخص ثالث و بر اساس منشأ اسپرم تخمک و جنین به چهار صورت اصلی که ممکن است دارای یک یا چند حالت باشد تقسیم کرد که این تقسیم‌بندی به روشن شدن مسائل فقهی نهفته در موضوع بحث کمک می‌کند.

صورت اول: زوجه نابارور تنها از داشتن رحم محروم است ولی دارای تخمک سالم بوده و زوج نیز دارای اسپرم سالم است.

در این مورد جنین حاصل از تخمک و اسپرم زوجین نابارور به رحم جایگزین منتقل می‌گردد.

صورت دوم: زوجه نابارور از داشتن رحم و تخمدان محروم است ولی زوج او دارای اسپرم سالم است؛ این خود دارای دو قسم است:

۱- اسپرم همسر زوجه نابارور مستقیماً به رحم بانوی صاحب رحم منتقل می‌گردد. ۲- تخمک بانوی صاحب رحم با اسپرم همسر زوجه نابارور در آزمایشگاه ترکیب شده و جنین حاصل از آن به رحم بانوی صاحب انتقال می‌یابد.

صورت سوم: زوجه نابارور از داشتن رحم محروم بوده ولی دارای تخمک سالم است و همسر زوجه نابارور از داشتن اسپرم سالم محروم است. در این مورد اسپرم اهدایی غیر با تخمک زوجه نابارور در محیط آزمایشگاه ترکیب شده و جنین حاصل از آن به رحم جایگزین انتقال می‌یابد.

صورت چهارم: زوجه نابارور از داشتن رحم محروم بوده و همچنین زوج و زوجه نابارور از داشتن گامت متعلق به خود محروم هستند، این صورت دارای چهار قسم است: ۱- اسپرم اهدایی غیر مستقیم به رحم بانوی صاحب رحم منتقل می‌گردد؛ ۲- تخمک بانوی صاحب رحم با اسپرم اهدایی غیر در محیط آزمایشگاه ترکیب شده و جنین حاصل از آن به رحم جایگزین انتقال می‌یابد؛ ۳- جنین حاصل از اسپرم اهدایی غیر و تخمک متعلق به زوج قانونی اهدای جنین به رحم جایگزین انتقال می‌یابد؛ ۴- جنین حاصل از اسپرم اهدایی غیر و تخمک اهدایی غیر بدون وجود رابطه زوجیت به رحم جایگزین انتقال می‌یابد.

تمامی صورت‌های فوق بر اساس اینکه بانوی صاحب رحم با مرد صاحب اسپرم رابطه زوجیت اعم از دائم یا منقطع داشته باشد یا نه و همچنین بر اساس وجود یا عدم وجود ضرورت پزشکی نیز می‌توان تقسیم کرد؛ بنابراین با توجه به تقسیمات فوق مسائلی که برای استنباط حکم رحم جایگزین باید مورد بررسی فقهی قرار گیرد را می‌توان در امور زیر خلاصه کرد: انتقال جنین و تخمک بارور شده غیر به رحم جایگزین؛ تلقیح اسپرم بیگانه با تخمک زن در خارج رحم؛ تزریق مستقیم اسپرم مرد بیگانه به رحم مادر جانشین.

بنابراین باید با بررسی دقیق تمامی حالات قابل تصور در روش رحم اجاره‌ای و استخراج تمامی مسائل فقهی نهفته در آن حکم فقهی مناسب با یکایک موارد به کارگیری رحم اجاره‌ای تعیین شود.

به این منظور ابتدا باید به بررسی تمامی ادله جواز و عدم جواز رحم اجاره‌ای پردازیم و سپس با توجه به تحلیل صورت گرفته از این

اما قائلین به برائت و جواز نیز در این میان سکوت نکرده و بر دلایل آنها ایراد وارد کرده‌اند از جمله این ایرادات را می‌توان این‌گونه بیان داشت:

ایرادها: اولاً: اینکه معنای حفظ و نگهداری فرج (کنایه از این است که زنان بهره و لذت جنسی برده نشود و ریخن منی به وسیله لوله یا قراردادن نطفه تشکیل شده از منی بیگانه را در رحم شامل نمی‌شود. زیرا آنچه از این آیه به ذهن تداعی می‌شود همان حفظ فرج از آمیزش و لذت جنسی و زنا است) و ما وقتی به تفاسیر مختلف در این زمینه مراجعه می‌کنیم مطالب آن مؤیدی بر این ادعا می‌باشد. (۱۵).

از جمله تفاسیری که در ذیل آیه مورد بحث ارائه شده: صاحب تفسیر مجمع البیان در تبیین آیه می‌گوید: «مردان مؤمن فرج خود را از آمیزش نامشروع حفظ کنند». (۱۶)
صاحب تفسیر گازر در این زمینه می‌گوید: «آنان که اندام‌های خود را از حرام نگاه دارند و از زنا دور شوند». (۱۷)
در تفسیر منهج الصادقین آمده است: «آنان که فرج‌های خود را حفظ دارند یعنی ضبط نمایندگان هستند و منع کنندگان خود از مباشرت و موافقت». (۱۸)

صاحب تفسیر انوار درخشان می‌گوید: «از جمله صفات فاضله اهل ایمان و تقوا آن است که از هرگونه مباشرت و هم‌زیستی خودداری می‌نمایند و نیروی احتراز از به کار بردن نیروی غریزی جنسی را در خود تقویت می‌نمایند». (۱۹)

صاحب تفسیر کشف الحقایق در تفسیر این آیه می‌گوید: «آن کسانی که شرمگاه‌های خود را نگاه می‌دارند و (جز با حلال خود در نمی‌آمیزند) خلاصه تأویل، مؤمن و مؤمنه مرتکب زنا نمی‌شوند». (۲۰)

در تفسیر المیزان ذیل این آیه آمده است: «همان کسانی هستند که عورت خود را از حرام و نامحرم حفظ می‌کنند». (۲۱)

تفسیر آسان می‌گوید: «چهارمین صفت مؤمنان این است که همه وقت و همه جا و در مقابل همه کس فرج خود را حفظ و حراست می‌کنند. کنایه از اینکه عمل منافی عفت و عصمت از قبیل هر نوع زنا و لواط و... بری و بیزار و برکنار خواهند بود مگر از بهره‌مند شدن از زنان و کنیزان زرخرد خود». (۲۲)

تفسیر نمونه نیز اینگونه بیان می‌کند: «آن‌ها که دامان خود را از آلودگی و بی‌عفتی حفظ می‌کنند». (۲۳)

ثانیاً: ایراد دیگری که برخی از محققین ابراز می‌دارند این است که آیه اختصاص به مردان دارد و به زنان نظر ندارد با قاعده اشتراک^۱ نمی‌توان حکم مربوط به مردان را به زنان سرایت داد زیرا در آیه مردان، موضوع حکم هستند. (۲۴) محققان به ایراد مورد اشاره کمتر

زمانی که مصداقی استثناء نشده آن مصداق بر حرام بودن خود باقی است.

پس روشن است که مقتضی آیه کریمه و منظور آن، حفظ آلت تناسلی از هر چیز است خواه ورود نطفه از طریق زنا یا سایر مقاربت‌های غیرمشروع باشد و یا به وسیله ابزار آلات پزشکی. اگر به دلیل حذف متعلق نیز انجام عمل مذکور را به وسیله محرم زن مشمول این آیه ندانیم، (۸) خواه این عمل به وسیله شوهر یا خود زن انجام گیرد و خواه به وسیله بیگانه چون حفظ فرج از ادخال نطفه بیگانه مورد نظر است، همچنان حرمت بر عمل مذکور صدق می‌کند.

به عبارت دیگر، شارع مقدس در این آیه «بیان و تفصیل» ندارد و ذکر نکرده است که اندام جنسی را از چه چیزها و چه اعمال و چه کسانی باید حفظ کرد و این که شارع متعلق را حفظ ننموده، اثبات می‌کند که مقصود او عام بوده و وقتی پذیرفتیم که دلالت یک کلام «عام» است، باید بپذیریم که عام به طور یکسان بر هر فردی از افراد خود، حکومت دارد. پس انحصاری کردن دلالت عام به یک مصداق و صرف نظر کردن از سایر مصداق با مفهوم عام منافات دارد و مستلزم ترجیح بلا دلیل و نیز موجب تخصیص اکثر می‌باشد که ممنوع و غیرعقلایی است.

بنابراین معلوم می‌شود تمامی اعمال مربوط به فروج- غیر از دو مورد- حرام است و این که بر این اساس زنا، لواط، تفخیز، استمناء، لمس و نگاه به عورتین و از جمله صورت‌های تلقیح مصنوعی به خصوص اجاره رحم بیگانه نیز حرام است؛ زیرا اولاً همه این موارد مربوط به فروج و از اعمال فروج هستند؛ ثانیاً هیچ یک از آن‌ها از موارد استثناء شده بر آیه نمی‌باشند؛ ثالثاً هیچ مخصص و دلیل دیگری هم که تصریح بر مباح بودن آن‌ها کرده باشد، وجود ندارد و این که کسی بعضی از امور را مورد توجه قرار دهد و از سایر مصداق قطعی صرف نظر نماید مرتکب «تخصیص بلا دلیل و بدون مخصص» گردیده است. (۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳)

بنابراین باید اصله الاحتیاط را اجرا کرد و به عدم جواز حکم نمود. لذا فرمان منحصر به پرهیز از آمیزش نامشروع نیست بلکه سایر انواع روابط نامشروع از قبیل مساحقه و تفخیز و... را نیز شامل می‌شود که طبیعی است که یکی از این اعمال، تزریق اسپرم یا تخمک به دیگران است و فراهم آوردن زمینه تلقیح آنها است. (۱۴).

به عبارت دیگر، تمام استفاده‌ها از اندام جنسی الزاماً به معنای کامجویی جنسی نیست و اطلاق حفظ اندام از بیگانه مقتضی حرمت تزریق نطفه غیر شوهر به رحم زن است، بنابراین استفاده از اندام جنسی برای باروری غیر همسر جایز نخواهد بود.

حکمی خصوصیت یا قرینه در نظر گرفته شده باشد که بر افراد خاصی قابل تطبیق باشد. در این صورت به بقیه افراد آن موضوع سرایت نخواهد کرد.

^۱ - قاعده اشتراک یکی از قواعد فقهی است و مفاد آن این است که حکم ثابت شده برای موضوعی قابل تسری به تمام افراد آن است جز اینکه اگر در موضوع

برخی از آنها حرام می‌باشند ولی درباره حفظ فرج (شرمگاه) بدون (من) آورده است، یعنی حفظ شرمگاه به صورت کلی و اساسی واجب است و عدم رعایت آن موجبات تحریم را فراهم می‌سازد. (۲۷)

سوم: اگر در جواز اجاره رحم به عنوان «شبهه مصداقیه» شک کردیم که این عمل از امور مربوط به فروج است یا نه؛ با توجه به اصل موضوعی، اگر موضوع مرتبط با فروج باشد، چون قاعده‌ی عمومی حرمت فروج و وجوب حفظ آن است، بنابراین عمل مزبور با موضوع قاعده همسان بوده و مشمول قاعده‌ی کلی مذکور می‌گردد مگر آن که معلوم شود از «مصادیق مخصص که استثنا شده‌اند» است یا این که دلیل خاص دیگری برای مباح بودن آن به دست می‌آید. پس تا زمانی که ثابت نشود که تلقیح اسپرم و نطفه بیگانه از مصادیق استثنا هستند، در ذیل سلطه دلالت عام قرار دارند و مشمول قاعده‌ی عمومی «وجوب حفظ فرج» می‌باشد و انجام آن حرام است و اموری چون دلسوزی و ترحم نمی‌تواند این قاعده را محدود نماید. (۲۸)

پس تمام امور مربوط به فرج از جمله: زنا، لواط، استمناء، تفخیز، مساحقه، نگاه به عورتین، عاریه، اجاره‌ی رحم و... و مطلق تمام چیزهایی که مربوط به فرج است حلال شمرده نشده است.

چهارم: آیه به حفظ فرج دلالت دارد اما به نحوی حفظ آن چیزهایی که باید از آن حفظ شود اشاره نکرده است، در این صورت می‌توان با تمسک به قاعده‌ی معروف: «حذف مطلق مفید عموم است» بیان کرد که این حفظ شامل تخمک بارور شده‌ی غیر نیز می‌شود.

ایرادها: موافقان تلقیح مصنوعی و اجاره رحم نیز برای اثبات نظرات خویش راه مقابله برگزیده و این گونه اظهار داشته‌اند:

۱. برخی روایات بیان داشته‌اند که مقصود از (يَحْفَظَنَّ فُرُوجَهُنَّ) منحصر به حفظ نگاه است. مانند روایتی از امام صادق^ع که روایت در صفحات قبل ذکر شد.

تفسیری که در ذیل این آیه آمده تا حدودی این نظر را تأیید می‌کنند از جمله:

ملا فتح الله کاشانی در تفسیر منهج الصادقین این گونه بیان می‌کند: «حفظ کنند فرج‌های خود را از زنا و بپوشند آن را از ناظر محرم». (۲۹)

در تفسیر اثنی عشری آمده است:

«... نگاه دارند فرج‌های خود را از زنا یا بپوشانند آن را از ناظر محرم و امر فرموده زنان را به مثل آنچه مردان را امر فرموده و حفظ در هر دو موضع به جهت آن است که نظر مورد مخاطره زنا است و لذا شارع مقدس سدّ مقدمه آن را فرموده است». (۳۰)

شرمگاه به میان آمده، مراد نگه داشتن از زنا است مگر آیه ۳۰ سوره نور که در آن حفظ شرمگاه از نگاه اراده شده است.»

توجه داشته‌اند و معتقدند که این امری مشترک میان زنان و مردان می‌باشد. از جمله صاحب تفسیر آسان در این زمینه چنین می‌نویسد: «گرچه کلمات این آیه شریفه مذکرند یعنی برای مردان به کار رفته است ولی این موضوع خود یکی از اصطلاحات و اسلوب‌های قرآن مجید است که زنان را در این گونه موارد تابع و پیرو مردان می‌داند و معرفی می‌کنند پس آنچه در این آیه آمده، هم بر مردان واجب است فرج خود را از عمل نامشروع حفظ نمایند و هم بر زنان». (۲۵)

ثالثاً: در کل با توجه به روایت وارده در این زمینه متعلق آیه عام نیست و اقسام باروری پزشکی را شامل نمی‌شود. زیرا امام در مقابل بیان متعلق، تنها زنا را ذکر کرده و اگر متعلق وسیع‌تری داشت حتماً ذکر می‌کرد. همانطور که امام در مقام بیان متعلق آیه ۳۰ سوره نور آن را محدود به نگاه کرده است. از بیان امام در این زمینه متوجه می‌شویم که آیات مزبور متعلق وسیعی نداشته و در اکثر موارد حفظ به «زنا» منحصر می‌شود.

رابعاً: عرف هیچ‌گاه زنا را با تلقیح مصنوعی یکسان ندانسته است تا هر جایی که حکم به حرمت زنا می‌کند حکم به حرمت تلقیح مصنوعی نیز بکند. و هر کدام موضوعات جدای از هم می‌باشند و امکان تسری حکم موضوعی به موضوع دیگر وجود ندارد.

۱-۲-۳- آیه دوم

«قُلْ لِّلْمُؤْمِنِيْنَ يَغُضُّوْنَ مِنْ اَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوْنَ فُرُوْجَهُمْ ذٰلِكَ اَزْكٰى لَّهُمْ اِنَّ اللّٰهَ خَبِيْرٌۢ بِمَا يَصْنَعُوْنَ، وَ قُلْ لِّلْمُؤْمِنٰتِ يَغْضُضْنَ مِنْ اَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوْجَهُنَّ...» به مؤمنان بگو چشمهای خود را (از نگاه به نامحرمان) فروگیرند، و عفاف خود را حفظ کنند؛ این برای آنان پاکیزه‌تر است؛ خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است و به زنان با ایمان بگو چشمهای خود را (از نگاه هوس‌آلود) فروگیرند، و دامان خویش را حفظ کنند...». (نور، آیات ۳۰ و ۳۱)

نظرات و استدلال‌هایی که مخالفان رحم جایگزین بر این آیه وارد کرده‌اند:

اول: حفظ فروج در آیات به صورت عام بر مرد و زن واجب شده است. زیرا متعلق حفظ بیان نشده است و عدم ذکر آن افاده عموم می‌کند. پس در نتیجه از هر عملی که با حفظ عورت سازگاری ندارد باید دوری جست. جز اعمالی که خداوند تصریح به مباح آن کرده یا دلیلی بر عدم لزوم حفظ فرج موجود باشد. بنابراین اجاره‌ی رحم، تزریق اسپرم بیگانه به زن بیگانه و یا تزریق تخمک زنی به زن دیگر و... از مصادیق خاص نیستند در نتیجه حکم عام را شامل شده حتی شامل مواردی می‌شود که رحم به عنوان ظرفی برای پرورش جنین دیگران به کار گرفته می‌شود. (۲۶)

دوم: خداوند برای مسئله نگاه حرف تبعیض (من) را به کار برده است تا بفهماند همه‌ی نگاه‌ها به طور کلی و عام حرام نیستند، بلکه

۱- قال الصادق^ع: «كُلُّ آيَةٍ فِي الْقُرْآنِ فِي ذِكْرِ الْفُرُوجِ فِيهِ مِنَ الزَّانَا إِلَّا هَذِهِ الْآيَةُ؛ (آیه ۳۰ سوره نور) فَإِنَّهَا مِنَ النَّظَرِ؛ هر آیه‌ای از قرآن که در آن از حفظ

با توجه به نظر موافقان که این آیات را منحصر به زنا و نگاه کرده و سایر مصادیق را از آن خارج کرده‌اند، اما بنا به دلایلی که به اختصار بیان می‌کنیم این دلایل را نمی‌پذیرند.

جواب اول: وقتی بپذیریم که دلالت یک کلام «عام» است باید بدانیم و بپذیریم که عام به طور یکسان به هر فردی از افراد خود، فارغ از دیگری حکومت دارد و به تعداد تمام مصادیقش به دلالت‌های متعدد تبدیل می‌شود. هر کدام از دلالت‌ها مستقلاً و به طور متساوی یک فرمان و دستور از طرف شارع است و حجت خواهد بود و عمل به تک تک آنها واجب است. حال اگر یکی از آنها به دلیل شهرت یا اهمیت فوراً به ذهن شنونده متبادر می‌شود. این تبادر و شیوع نمی‌تواند موجب انحلال عام و انصراف آن به یک مصادیق خاص شود.

تنها چیزی که می‌تواند مانع حکومت عام در مورد بعضی از مصادیق شود وجود مخصص است (إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ) و در مورد مصادیق دیگر عام به شمول خود پا برجا است.

جواب دوم: انصراف به این معنا که حکم عام در برگیرنده تمام مصادیق به نحو یکسان است. اما به دلیل اینکه یک یا چند مصادیق بیشتر مورد ابتلا و شایع بوده است. بنابراین در صورت صدور حکم عام، ذهن به سوی آن مصادیق شایع سوق پیدا می‌کند. در نتیجه تبعیت مکلف از آن مصادیق مجزی بوده و تکلیف ادا شده است. لذا عام منحل به آن مصادیق نشد.

اما این اظهار عجیب به دلیل تبادر و شیوع شکل گرفته ولی چنین عملی قطعاً با قصد و اراده‌ی شارع منافات دارد و ایشان در ادامه‌ی توضیحات خویش اشاره به آیه ۳۶ سوره‌ی احزاب نموده و این گونه نتیجه می‌گیرند که در خطاب‌های عام باید حکم تمامی مصادیق تبعیت شود و تنها در این صورت اطمینان حاصل می‌شود که به اوامر و نواهی خداوند عمل شده است و نمی‌توان بنا به دلیل‌های ضعیف و سلیقه‌ای از عمومیت فرمان خداوند چشم‌پوشی کرد. (۳۳)

جواب سوم: انصراف دلیل عام به یکی از مصادیقش یا باید به دلیل قرینه‌ی صارفه یا قرینه‌ی خارجی دیگری باشد که ملاحظه می‌شود و در مورد سوره‌ی نور و انصراف آن به نگاه صحیح نیست. زیرا خداوند دو حکم مستقل را بیان داشته: ۱. حفظ نگاه؛ ۲. حفظ فرج و تخصیص یکی از احکام به حکم دیگر بدون نشانه‌های لفظی و لغوی خلاف قاعده است. حال اگر بگویند روایتی از امام صادق (ع) مبنی بر تخصیص آیه به حفظ فرج از نگاه وجود دارد. ما نیز بیان می‌داریم: روایتی که از تفسیر قمی آمده، از آن جهت که نویسنده و کاتب اولیه و نیز املاکنده‌ی تفسیر که با نام (ابوالفضل عباس بن محمد) یاد شده، ناشناخته و مهمل است، لذا قابل اعتماد و استناد نیست و روایتی هم که در کافی نقل شده در سند آن بکر بن صالح

و تفاسیر متعدد دیگر که همگی تا حدودی بیان‌کننده یک مطلب هستند به همین دلیل از ذکر همه آنها خودداری کرده و به اندک بسنده نمودیم.

بنابراین با توجه به این مطلب تعدی از موضوع آیه به موضوع مورد بحث اجاره رحم و... درست نبوده، زیرا از نظر عرف بسیار متفاوت هستند. (۳۱)

۲. علاوه بر اشکال فوق، ایراد دیگری نیز وارد است که حتی می‌توان آن را بر اشکال پیشین نیز مقدم داشت. آن است که منظور، حفظ از افعال و کارهای حرام می‌باشد این مطلب مستلزم آن است که ابتدا منافی و حرام بودن باروری رحم جایگزین با استفاده از تخمک بارور شده، یا جنین تشکیل شده در آزمایشگاه با دلیل به اثبات برسد. پس از چنین استدلالی است که ما می‌توانیم حکم کنیم حفظ فرج مادر جانشین واجب بوده و عمل (اجاره رحم) و (رحم جایگزین) عمل منافی با حفظ فرج می‌باشد. تا زمانی که چنین چیزی به اثبات نرسیده نمی‌توان با تمسک به آن، حکم مصادیق مشکوک را بیان نمود. زیرا در این صورت استناد به عام در شبهه مصداقیه محقق شده و این امر از نظر علم اصول ممنوع است.

۳. یکی از دلایل ذکر شده معتقدین به تحریم این بود که چون در آیه متعلق حفظ ذکر نشده این امر موجب تمسک به عام می‌شود. اما قائلین به جواز در جواب این ایراد این گونه بیان می‌کنند، این ادعای بی‌دلیل است. زیرا از نظر زبان‌شناسی و گفت‌وگوهای عرفی، علت حذف قسمتی از کلام به دلیل روشن بودن آن نزد مخاطب است به گونه‌ای که گوینده نیازی به ذکر آن احساس نمی‌کند. در این گونه موارد برداشت عام یا خاص از کلام به مناسبات عرفی بستگی دارد. اگر قسمت حذف شده از کلام نزد مخاطب مشخص باشد ولی در اطلاق و تقیید آن تردید وجود داشته می‌توان به «اصالة الاطلاق» استناد نمود. اما اگر قسمت حذف شده از کلام برای مخاطب مشخص نباشد، به دلیل وجود اجمال و ابهام و تردید بین دو مفهوم نمی‌توان به «اصالة الاطلاق» استناد نمود. زیرا اجرای اصل اطلاق منوط به تعیین مفهوم بود. (۳۲)

و در تطبیق موضوع با بحث ما اگر کلام حذف شده مشخص گردد و از نظر مفهوم نیز تردید وجود نداشته باشد که آیه شامل موارد مورد بحث ما اجاره رحم، تزریق اسپرم و... نیز می‌گردد و در این صورت استناد به آیه برای تحریم تلقیح مصنوعی صحیح خواهد بود. اما در صورتی که کلام حذف شده مشخص نبوده باید به قدر متیقن از مفهوم اکفا نمود و از آنجایی که متعلق حفظ کاملاً مشخص نیست بنابراین به قدر متیقن یعنی «زنا» اکفا کرده متعلق حفظ را حفظ از زنا می‌دانیم.

با وجود تمام پاسخ‌هایی که موافقان جایگزینی رحم به مخالفان بیان کرده‌اند آقای محمد روحانی در مقاله خویش «حکم شرعی تلقیح اسپرم و نطفه بیگانه» آنها را وارد ندانسته و پاسخ‌هایی به شبهات آنها داده‌اند که ذکر آنها خالی از لطف نیست.

اصل اباحه جاری بوده و از سویی دیگر در شبهات تحریمیه به جز اخباریون، همه معتقد به اجرای اصل برائت می‌باشند.

یکی از محققین در این زمینه بیان می‌کند:

«با وجود این احتیاط مورد تأکید روایات و بیان مطلق عبارت «سبحان الله» برای منع استفاده از فناوری پزشکی برای تولید نسل کافی نیست، نهایت دلالت روایات احتیاط مستحبی است و به صرف این دسته روایات نمی‌توان فتوا به احتیاط داد و مردم را از حلال و مباحات ممنوع کرد که در آن صورت خود به خلاف احتیاط تبدیل خواهد شد. بنابراین تنها تولید مثل، از راه زنا استثنا شده و یا در هر موردی که دلیل بر حرمت آن وجود داشته باشد ممنوع شده است و در بقیه موارد، یعنی در مصادیق شبهه‌ی حکمی تحریمی، اصل بر برائت است.» (۲۴)

۲-۲-۳- روایت سوم

روایت علی بن سالم از امام صادق علیه السلام: «إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَذَابًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَجُلٌ أَقْرَبُ نُطْفَتِهِ فِي رَحِمِ تَحْرُمٍ عَلَيْهِ؛ بزرگترین عذاب در روز قیامت برای مردی است که نطفه خود را در رحم زنی که بر او حرام است، قرار می‌دهد.» (۲۶)

استدلال: در دلالت حدیث بر ممنوعیت رحم اجاره‌ای گفته می‌شود که چون اطلاق و عمومیت این روایت، ممنوعیت و حرمت قرار دادن نطفه مرد در رحم زن نامحرم را می‌رساند، بنابراین عرفاً از این روایت چنین به دست می‌آید که در این مورد روش ادخال خصوصیتی ندارد و فرقی نمی‌کند چه این کار با رضایت زوجین و توسط صاحب نطفه یا شوهر زن و یا حتی به وسیله خود زن انجام شود، و خواه تزریق اسپرم سبب لقاح و باروری شود یا نشود، حرمت هم چنان باقی است. (۲۷)

آیت الله مؤمن معتقد است که روایت مزبور بر حرمت تلقیح سلول‌های جنسی زن و مرد بیگانه دلالت دارد و این که از کلمه «نطفه» در روایت استفاده شده، نشان دهنده‌ی این است که موضوع حرام شکل‌گیری نطفه، با تخمک‌زنی است که بر مرد حرام است و تزریق اسپرم زمانی حرام است که منجر به انعقاد جنین و حاملگی شود. (مؤمن، ۱۳۷۴، ص ۱۵)

در نتیجه، بر اساس نظر برخی از مخالفان با استناد به مدلول این روایت منع استقرار نطفه در رحم زن بیگانه، مطلق تزریق اسپرم بیگانه در رحم زوجه حرام است ولی بنا به نظر دیگر، حرمت مشروط به انعقاد نطفه و بارداری است. پس خواه تزریق اسپرم منجر به بارداری شود یا نشود، در هر صورت حرام است. بنابراین نفس زنا، یک حرام است و ریختن نطفه در رحم، خود حرامی دیگر است هر چند که با ابزاری حلال مانند دست شوهر یا دست خود زن انجام شود.

که طبق قاعده مورد قبول «الزام» اطلاق آنها برای شیعه صحیح و نافذ است و بنابراین جایی برای وجوب احتیاط وجود ندارد. بلکه بایستی عمل به احتیاط را به صورت استحبابی در نظر بگیریم و از کلمه «نحن نحتاط» نیز پی به استحبابی بودن آن می‌توان برد و علت استحباب هم شاید به خاطر وجود احتمالات و شرایط دیگر باشد از جمله در حال حیض بودن زن یا عدم وجود دو شاهد یا مسائل دیگری که ایشان بدان وقوف داشتند. (۲۲)

۲-۲-۲- روایت دوم

روایت دیگری که در این زمینه دلالت بر صراحت احتیاط دارد روایت علاء بن سیابه می‌باشد، بدین مضمون: زنی به مردی وکالت داد تا او را به مرد دیگری تزویج نماید. پس از تزویج، زن وکیل را عزل کرد و دو شاهد بر عزل او گرفت. امام علیه السلام فرمودند: با این که زن عزل وکیل را به وی اطلاع نداده وکیل از وکالت عزل شده است و اضافه کردند:

«سَبْحَانَ اللَّهِ مَا أَجْوَرَ هَذَا الْحُكْمَ وَأَفْسَدَهُ، إِنَّ النِّكَاحَ أَحْرَى وَأَحْرَى أَنْ يُحْتَاطَ فِيهِ وَهُوَ فَرْجٌ، وَ مِنْهُ يَكُونُ الْوَلَدُ؛ منزّه است خداوند، چه قدر این حکم ظالمانه و فاسد است، نکاح امر مهمی است و سزاوارتر است که در آن احتیاط شود، زیرا در نکاح، مسئله فرج مطرح است و از آن ولد به وجود می‌آید.» (۲۹)

سند حدیث: از نظر محققین در سند روایت ایرادی نیست. اشکال و ایرادی نیست نه از آن جهت که علاء بن سیابه از یاران امام صادق علیه السلام است و به توثیق عمومی شیخ مفید در ارشاد، هم‌ی یاران امام علیه السلام موثق هستند، بلکه از آن جهت که وی از مشایخ ابن ابی عمیر بوده و برابر مبنای پذیرفته در علم رجال که همه‌ی مشایخ ابن ابی عمیر مورد اعتماد و ثقه هستند، روایت مزبور بی‌اشکال است. (۲۸)

دلالت حدیث: امام علیه السلام در مقام ردّ حکم اهل سنت مبنی بر جاری بودن تزویج و باطل بودن عزل وکالت بدون اطلاع، قائل به احتیاط شده و می‌فرمایند: سبحان الله این چه حکم ظالمانه و فاسدی است، متوجه می‌شویم که حکم آنان نادرست بوده و خلاف احتیاط می‌باشد. شاید اینگونه استدلال شود که «أحرى» به معنی «سزاوارتر» نشان از استحباب است نه وجوب، اما معتقدین به احتیاط این‌گونه پاسخ می‌دهند که ماقبل از کلمه «أحرى» عبارت سبحان الله ما أجور هذا الحكم و أفسده داریم که بیان می‌دارد که این چه حکم ظالمانه و فاسد است. این امر ما را متوجه احتیاط در این مسئله می‌کند.

اما با تمام اوصاف این روایات نمی‌توانند دلیل محکمی بر احتیاط باشند و فقط می‌توانیم آنها را حمل بر احتیاط مستحبی کنیم و مخصوصاً اینکه در علم اصول این یک مسئله ثابت و پذیرفته شده است که همه چیز حلال است جز مواردی که یقین بر حرمت آنان پیدا کنیم و با توجه به اصل اباحه و عدم دلیل بر حرمت، امکان

^۱ - قاعده الزام: یکی از قواعد معروف و مورد پذیرش فقه شیعه می‌باشد. بدین مضمون: ترتیب اثر دادن به اعمالی که آنان (اهل سنت) بر طبق اعتقاد خود انجام می‌دهند، هر چند در نظر ما صحیح نباشد.

تفسیر مطرح می نمایند و عنوان می کنند که منظور از آیه رابطه نامشروع (زنا) و لذت جنسی هست و اینکه این آیه مختص مردان می باشد و به زنان نظر ندارد. و ادله دیگر ...

آیه دیگری که به آن استناد جسته اند، آیه ۳۰ و ۳۱ سوره نور می باشد. اما مخالفان ایشان (موافقان لقاح مصنوعی) راه مقابله برگزیده و اینگونه اظهار داشته اند که مقصود از (یحفظن فروجهن) منحصر به حفظ نگاه است و حتی می توان آیه را اینگونه تفسیر نمود که منظور حفظ از افعال و کارهای حرام می باشد. با توجه به نظر موافقان که این آیات را منحصر به زنا و نگاه کرده و سایر مصادیق را از آن خارج کرده اند، اما بنا به دلایلی نمی توان آنها را پذیرفت.

در این رابطه روایاتی نیز وجود دارد؛ در روایت اول، با توجه به برطرف شدن ضعف سند درمیابیم که امام قائل به احتیاط می شوند نه حرمت.

در روایت دوم، می توان بیان داشت که تنها تولید مثل از راه زنا استثنا شده و یا در هر موردی که دلیل بر حرمت آن وجود داشته باشد ممنوع شده است و در بقیه مصادیق اصل بر براءت می باشد.

در روایت سوم نیز علاوه بر ضعف سند با ادله دیگری نیز می توان آن را رد نمود از جمله اینکه قبح تلقیح مصنوعی با منی نامحرم (در صورت اثبات قبح آن) بدون عمل نامشروع با عنایت به اینکه یک روش کمک درمانی است، با قبح زنا یکسان به نظر نمی رسد و مناسب تر این است که فرمایش امام (ع) را در مورد روش متعارف قرار دادن نطفه در زمان صدور حدیث یعنی مباشرت و عمل جنسی بدانیم، ویژگی که نمی توان آن را از دید و عرف عمومی نادیده انگاشت.

بنابراین و با توجه به مطالب ذکر شده، حرمت برای تولید نسل از طریق نامشروع (زنا) و مشابه آن است و تولید مثل از طریق لقاح مصنوعی مصداق آن نمی باشد.

References

1. Emami A., 2010, comparative study of descent in Iranian and French laws, Tehran, Rasa Cultural Services.
2. Behjat M.T., 1386, Isftataat, first edition, Qom, office of Grand Ayatollah Mohammad Taqi Behjat.
3. Haram-Panahi M., 1374, artificial insemination, Ahl al-Bayt □ specialized quarterly, numbers 9 and 10.
4. Hosseini Shah Abdul Azimi H, 1363, Tafsir Ezni Ashari, first edition, Tehran, Miqat Publications.

ایرادها: در پاسخ به این دلیل مخالفان اجاره رحم، پاسخ داده اند که: اولاً: سند حدیث معتبر نیست؛ زیرا دو تن از راویان (علی بن سالم و عثمان بن عیسی) مطمئن نیستند یا مانند آن که گفته اند که علی بن سالم مشترک بین علی بن سالم بطائنی که به واقفی بودن و دروغگویی مشهور است و دیگری علی بن سالم کوفی که مجهول و ناشناخته است.

ثانیاً: اگر وثوق روایات را بپذیریم، مقصود از «قرار دادن نطفه» در این حدیث، وارد کردن نطفه در رحم زن به وسیله مباشرت است و لذا اطلاق حدیث، ناظر به عمل غیر اخلاقی و زنا انصراف دارد که شدیدترین عذاب را به همراه دارد و سایر موارد دیگر را شامل نمی شود؛ مگر اینکه روایت کلیت داشته و شامل تلقیح زن با اسپرم مرد بیگانه، از طریق جنسی یا راه های دیگر شود که چنین اطلاق و کلیتی در سخن امام ۷ مفهوم نیست، بلکه مفهوم روایت ناظر بر موردی است که قرار دهنده نطفه در رحم زن، مرد و صاحب آن نطفه بوده و رحم مورد نظر از آن زنی است که بر آن مرد حرام است پس اگر عمل به وسیله خود زن و یا شوهر وی انجام گیرد، مشمول روایت نیست.

ثالثاً: قبح تلقیح مصنوعی با منی نامحرم (در صورت اثبات قبح آن) بدون عمل نامشروع با عنایت به این که یک روش کمک درمانی است، با قبح زنا یکسان به نظر نمی رسد. این روایت به قرینه مناسبات و موضوع ناظر به بی عفتی و ناپاکدامنی است و ادخال نطفه به طور غیر مستقیم در رحم را شامل نمی شود؛ قرینه این دلیل آن است که مصنفان این روایت در کتب خود در کنار روایات زنا ذکر کرده اند مانند ذکر حدیث در باب الزانی در کتاب الکافی مرحوم کلینی، در باب عقاب الزانی و الزانیه کتاب ثواب الاعمال مرحوم صدوق، همچنین اولین روایت باب عقاب الزانی در کتاب المحاسن مرحوم ابوجعفر برقی و کتاب دعائم الاسلام در باب روابط نامشروع بین زن و مرد نعمان بن محمد مغربی. (۳۰)

نظریه مختار: مناسب تر این است که فرمایش امام ۷ را در مورد روش متعارف قرار دادن نطفه در زمان صدور حدیث یعنی مباشرت و عمل جنسی بدانیم، ویژگی که نمی توان آن را از دید و فهم عرف عمومی نادیده انگاشت. بنابراین روایت شامل اجاره رحم و تلقیح مصنوعی نمی شود و شدت لحن روایت مؤید قرار دادن نطفه در رحم از طریق زنا است.

نتیجه

مخالفان رحم اجاره ای برای اثبات ادعای خود از (آیات و روایات) بهره می برند. از جمله آیاتی که به آن استناد می نمایند آیه ۵ الی ۷ سوره مومنون می باشد. ایشان اینگونه استدلال می نمایند که تمام استفاده از اندام جنسی الزاما به معنای کامجویی جنسی نیست و اطلاق حفظ اندام از بیگانه مقتضی حرمت تزریق نطفه غیر شوهر به رحم زن است. بنابراین استفاده از اندام جنسی برای باروری غیر همسر جایز نخواهد بود. اما قائلین به براءت و جواز مویداتی را از

20. Har Ameli M., 1409 AH, Wasal al-Shia, Qom, Al-Al-Bait Institute□.
21. Sheikh Sadouq, 1390 A.H., Man la Yahzara al-Faqih, Tehran, Darul Kitab al-Islamiya Publications.
22. Tabatabaei, 1363, Tafsir al-Mizan, third edition, Qom, Islamic Publications affiliated with the Qom Seminary Society of Teachers.
23. Tabarsi F., 1372, Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, third edition, Tehran, Nasser Khosrow Publications.
24. Tabarsi F. 1420, al-Tabyan fi Tafsir al-Qur'an, first edition, Beirut, Dar Ahya Al-Trath al-Arabi.
25. Tousi M., 1365, Al-Tahdeeb, Tehran, Al-Katb al-Islamiya Publishers.
26. Alavi Hosseini MK, 1396 AH, Tafsir Kashf al-Haqayq on the point of verses and al-Daqayq, 3rd edition, Tehran, Haj Abdul Majid Sadegh Nobari Publications.
27. Kashani M., 1344 A.H., Manhaj al-Sadeghin fi Zam al-Makhalifin, second edition, Tehran, Islamia bookstore.
28. Kalini M., 1365, Al-Kafi, Tehran, Al-Kitab al-Islamiya Publishing House.
29. Najafi MH, Bita, Javaher Al-Kalam, Beirut, Dar Ihya Al-Tarath Al-Arabi.
30. articles
31. Akhundi M.M. and others, 2014, Familiarity with natural fertilization, ectopic fertilization and the necessity of using gamete replacement in infertility treatment, Paish magazine, 6th volume, 4th issue.
32. Jafarzadeh M., 1380, New methods of human reproduction from the point of view of jurisprudence and law, collection of articles, Kanon Monthly, No. 143 and 144.
33. Delir Rad M and others, 2017, moral and religious challenges around surrogate womb, collection of essays on surrogate womb, side.
5. Hosseini Hamdani M., 1380, Tafsir Anwar Derakhshan, Tehran, Lotfi Bookstore Publications.
6. Rabbani M.H., 2015, New Medical Issues, first edition, Qom, Bostan Kitab Institute.
7. Rezanian Maallem M.R., 2014, Medical fertility from the perspective of jurisprudence and law, first edition, Qom, Bostan Kitab.
8. Rouhani M.S., 1414 AH, Al-Masal al-Mushtadihah, Qom, Dar al-Katab.
9. Shahriari H., 2016, gamete and embryo donation from the perspective of Islamic ethics, Tehran, Samt Publications.
10. Makarem Shirazi N., 1366, Tafsir al-Nashon, Tehran, Dar al-Katb al-Islamiya.
11. Makarem Shirazi, 1428 AH, Shariah tricks and correct solutions, second edition, Qom, Imam Ali Ibn Abi Talib School□.
12. Makarem Shirazi, 1429 AH, medical rules, first edition, Qom, Imam Ali Ibn Abi Talib school□.
13. Moayed H., 1374, My Problems of Fiqh al-Astdalali, first edition, Tehran, office of Ayatollah Sheikh Hossein Moayed.
14. Naibzadeh A., 1380, legal review of new methods of artificial insemination, first edition, Tehran, Majd Scientific and Cultural Assembly.
15. Najafi MJ, 1362, Tafsir Asan, first edition, Tehran, Islamia bookstore.
16. Arabic
17. Bahrani, 1416 AH, Al-Barhan fi Tafsir al-Qur'an, first edition, Tehran, Ba'ath Foundation.
18. Jurjani A., 1337 A.H., Tafsir Jala-ul-Azhan and Jala-e-Ahzan, first edition, Tehran, Tehran University Press.
19. Jasas A, 1405 AH, Al-Qur'an rules, first edition, Beirut, Dar Ahya Al-Tarath Al-Arabi.

34. Alizadeh M., 1385, jurisprudential and legal status of surrogate use, specialized magazine of theology and law, number 19.
35. Alavi Qazvini A., 1374, legal works of human artificial insemination, Nama Mofid magazine, first year, number 3.
36. Momin M., 1374, a speech about inoculation, Ahl al-Bayt Fiqh Magazine, No. 4.
37. Mirhashmi S., 1383, artificial insemination in jurisprudential and legal thought, its supporters and opponents, Naday Sadegh, No. 36.